



روش های تشویق و تنبیه و تاثیر آن در یادگیری دانش آموزان

هدیه عباسی

دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان

Hedie.abasi.1994@gmail.com

چکیده

تشویق و تنبیه از جمله عواملی هستند که در انجام هر کاری به خصوص امر یادگیری نقش پررنگی دارند که این دو بسته به روش بکارگیری شان می توانند اثر متفاوتی داشته باشند. با این وجود باید راهی یافت که معلمان با استفاده از روش های صحیح تشویق، نحوه درست تنبیه و همچنین با آگاهی از تاثیر تشویق و تنبیه در یادگیری در جهت القای یادگیری مؤثر گام نهند. حال آنکه تشویق و تنبیه به چه روشی دارای تاثیر منفی و به کدامین روش موجب تاثیر مثبت می شود موضوعی است که در این مقاله به آن خواهیم پرداخت. برای انجام این تحقیق روش کتابخانه ای در مدت دو ماه با بهره گیری از منابع معتبر علمی صورت گرفت. ابتدای امر روش های تشویق و تنبیه دانش آموزان را بیان می نماییم و به این می پردازیم که کدام روش ها درست و صحیح و کدامیک دارای تاثیر منفی در یادگیری دانش آموزان می باشند. در نهایت رابطه بین تشویق و تنبیه و یادگیری را مورد واکاوی قرار می دهیم. در نهایت دریافتیم که تشویق و تنبیه اگر به روش های درست و در عین حال بجا، به موقع و به اندازه نباشند آثار معکوس و مخربی در پی خواهند داشت. در این مقاله بصورت مفصل روش های مختلف تشویق و تنبیه مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که روش هایی از جمله کم توجهی، جایگزین تنبیهات فیزیکی شود چراکه تنبیه بدنی آثار زیان باری بر فرد دارد، ضمن اینکه آثار این تشویق ها و تنبیهات متوجه یادگیری نیز می شوند و می توانند مسیر یادگیری را دگرگون کنند.

واژگان کلیدی: تشویق و تنبیه، یادگیری، دانش آموزان.

مقدمه

تشویق و تنبیه دو روش تربیتی و از اجزا لاینفک فرایند تعلیم و تربیت بوده و استفاده از آن هم در تعلیم و تربیت رسمی و مدرسه و هم در تعلیم و تربیت غیررسمی و خانواده معمول رایج بوده است (آسترکی و عسگریان، 1393). تشویق و تنبیه، به عنوان یکی از روش های نظارت و مراقبت، از هر دو جنبه نظری و اجرایی، مسئله ای است بحث انگیز که هنوز در لفافه ای از ابهام باقی مانده است. در این مورد نظرها و باورها متفاوت است و بررسی ها در ارتباط با جهات و جوانب مختلف قضیه با تناقض هایی برخورد دارند. از یک سو بسیاری مربیان و معلمان یا مدارسی وجود داشته اند که با اعمال قدرت و استفاده از روش محکم و حتی خشن سرپرستی و مراقبت به تربیت شهروندان خوب و مفید توفیق یافته اند و از سویی معیارهای تربیتی وجود رابطه حاکم و محکوم بین مربی و مربا را نفی می کنند و معلم سالاری را در محیط تربیت مردود می شناسند. تشویق نیز متضمن آثار گوناگون است که بعضی درخور توجهند. بی شک محبت از موهبت های ارزنده و از تجلیات جالب رفتار انسانی است. تشویق از مهر و محبت نشان دارد و محبت متقابل فراهم می آورد. در امر تربیت از اثر این وسیله محرک، که منشأ کار و تلاش بیشتر و بهتر است، نباید غافل بود (معیری، 1387).

اقداماتی که از نظر مربیان تمرین کننده هستند (مثل فریاد زدن، سرزنش کردن، موعظه کردن یا اخراج دانش آموز از کلاس درس) غالباً تنبیه کننده نیستند. در واقع چنین پیامدهای تنبیهی برای دانش آموزان خودسر و پرسروصدا بسیار تقویت کننده نیز هستند. نیازی نیست که تنبیه مؤثر منجر به درد یا تحقیر گردد. در حقیقت، تنبیه بدنی و راهبردهایی که بر رنج یا تحقیر مبتنی هستند، معلمان را در معرض خطر مجازات قانونی قرار داده و از نظر اخلاقی نیز پسندیده نیستند. استفاده مناسب از بعضی از انواع تنبیه های بدون خشونت به عنوان راهبرد ثانویه و مکمل راهبردهای مثبت، قانونی و از نظر اخلاقی قابل دفاع می باشند (هالاها و همکاران، 1394).

در این قسمت به تعریف مفاهیم کلیدی مورد استفاده خواهیم پرداخت:

- 1- یادگیری: یادگیری، تمام تغییرات در رفتار می باشد که بر اثر تجربه ایجاد می شود (Domjan, 1997).
 - 2- تنبیه: به دریافت پیامدی نامطلوب از سوی فرد در نتیجه انجام یک رفتار گفته می شود (سیف، 1394).
 - 3- تشویق: تشویق عبارت است از ارائه عاملی خوشایند به دنبال رفتار برای تکرار رفتار (دشتی و جمالی زاده، 1393).
- ضمن اینکه از نظر لغوی واژه ی تنبیه به معنای «آگاه کردن» و واژه ی تشویق به معنای «بشوق آوردن کسی» و «آرزومند کردن» است (دهخدا، 1377).

بیان مساله

تشویق و تنبیه از جمله عواملی هستند که در انجام هر کاری به خصوص امر یادگیری نقش پررنگی دارند که این دو بسته به روش بکارگیری شان می توانند اثر متفاوتی داشته باشند. با این وجود باید راهی یافت که معلمان با استفاده از روش های صحیح تشویق، نحوه درست تنبیه و همچنین با آگاهی از تأثیر تشویق و تنبیه در یادگیری در جهت القای یادگیری مؤثر گام نهند. حال آنکه تشویق و تنبیه به چه روشی دارای تأثیر منفی و به کدامین روش موجب تأثیر مثبت می شود موضوعی است که در این مقاله به آن خواهیم پرداخت.

اهمیت موضوع

تحسین و تشویق در مشارکت و حفظ علاقه دانش آموزان به کار خود نقشی اساسی دارد. این کار به آنها کمک می کند تا از طریق ارتقا اعتماد به نفس و اعتقاد به توانایی های خویش در تحصیل پیشرفت کنند. نتایج پژوهش رفتاری نشان می دهد که چنین تحسین و تشویقی می تواند روی عملکرد شاگرد تأثیر فوری گذارد و منجر به ارائه کار خوب از جانب وی شود. اگر به خاطر عمل



نامناسبی با بچه‌ها ترشویی می‌کنیم، با نشان دادن خودداری خویش از تصویب و تأیید عمل، آنان را تنبیه می‌کنیم؛ چه دوست داشته باشیم یا نداشته باشیم. پس زندگی روزمره در بیشتر اوقات از تقویت‌ها و تنبیهات صرف نظر از کوچکی آنها تشکیل شده است و همین تقویت‌ها و تنبیهات در شکل بخشیدن و هدایت رفتار ما نقش مهمی را ایفا می‌کنند (فونتانا، 1384).

بعضی از اندیشمندان بر این باورند که تربیت شدگان محیط فشار و شدت عمل، فشار پذیرند و به صورت موجوداتی فاقد پویایی برای رشد خودبخودی بار می‌آیند. این هم واقعیتی است که به آن باید توجه داشت. روش تربیتی مبتنی بر اعمال فشار و قدرت مداری مداوم مربی خمودی بار می‌آورد و حاصل آن بیش از هر چیز قبول تسلط دیگران است. جامعه‌ای که از افراد آماده برای قبول فشار مرکب باشد همواره فشار و قلدری را پذیرا خواهد بود و مفهوم حق و برابری را هرگز احساس نمی‌کند (معیری، 1387).

پیشینه

سیدرضا بلاغت، پروانه دینارزهی و محمدرحیم قلندرزی در تیرماه سال 1397 با همکاری یکدیگر در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر تشویق و تنبیه بر یادگیری دانش‌آموزان» بیان داشتند که تشویق و تنبیه ابزاری برای تحریک و انگیزه دادن می‌باشد. اگر در این کار از حد فراتر رویم اثرات مخرب و نتیجه معکوس خواهند داشت، آنها علاوه بر اینکه هرگونه تنبیه فیزیکی و بدنی را رد کردند اذعان کردند که تشویق مقدم بر تنبیه است و در روش‌های تنبیهی محروم کردن و کم توجهی، در روش‌های تشویق نیز احترام گذاشتن ضمن بجا و به‌موقع بودن آنها مورد تأکید قرار دارد (بلاغت و همکاران، 1397).

اهداف و فرضیه های پژوهش

یکی از عوامل مؤثری که در یادگیری دانش‌آموزان دخیل است تشویق و تنبیه درست و به‌موقع آنها می‌باشد که معلمان با دانستن این مهم و روش‌های درست این کار می‌توانند دانش‌آموزان را در رسیدن به یادگیری اثربخش یاری کنند. در نهایت اینکه هدف از این پژوهش آشکار نمودن رابطه بین یادگیری مؤثر و تشویق و تنبیه و همچنین روش‌های صحیح این امر در نیل به یادگیری هرچه بهتر دانش‌آموزان می‌باشد.

پرسش های تحقیق

در این میان لازم است به جهت شفافیت موضوعی که در پی آن هستیم سؤالاتی مطرح کنیم:

- الف) روش‌های تشویق و تنبیه دانش‌آموزان و تأثیر آنها چیست و در واقع نحوه درست و صحیح تشویق و تنبیه کدام است؟
 ب) آیا رابطه‌ای بین تشویق و تنبیه دانش‌آموزان و یادگیری آنها وجود دارد یا به عبارت بهتر تأثیر تشویق و تنبیه بر یادگیری چیست؟

روش تحقیق

برای انجام این تحقیق روش کتابخانه‌ای در مدت دو ماه با بهره‌گیری از منابع معتبر علمی صورت گرفت. ابتدای امر روش‌های تشویق و تنبیه دانش‌آموزان را بیان می‌نماییم و به این می‌پردازیم که کدام روش‌ها درست و صحیح و کدامیک دارای تأثیر منفی در یادگیری دانش‌آموزان می‌باشند. در نهایت رابطه بین تشویق و تنبیه و یادگیری را مورد واکاوی قرار می‌دهیم.

یافته ها

در ادامه به پرسش‌های مطرح شده در بخش پرسش‌های تحقیق پاسخ می‌دهیم:

سؤال اول) روش‌های تشویق و تنبیه دانش‌آموزان و تأثیر آنها چیست و در واقع نحوه درست و صحیح تشویق و تنبیه کدام است؟ تشویق و تنبیه از نظر نقش و تأثیر تربیتی سودبخش و سازنده هستند، اما این مسأله اهمیت دارد که در عمل کدام یک مؤثرتر است، توسل به آزادمنشی و مهربانی و محبت سازنده‌تر است یا اعمال قدرت و حفظ حاکمیت مربی؟ شاید پاسخ واقعی آن باشد که در هر موقع و موضع خاص، به تناسب مسأله مبتلی به مربی؛ به نوع لازم مراقبت تشویقی یا تنبیهی، و در حد اعتدال باید متوسل شد. تشویق و تنبیه در حقیقت دو صورت هم ارز یک تدبیر تربیتی هستند. چه بسا که روش مربی در به کار بردن تنبیه خود سازنده و محرک و حتی تشویق‌آمیز باشد یا بالعکس تشویق به صورتی اجرا شود که اثر سو باقی بگذارد و بدآموزی فراهم کند (معیری، 1387).

بهترین تنبیه و مؤثرترین نوع آن این است که بچه را مجبور کنیم کار غلط را صحیح انجام دهد و تکرار کند. (ولی در این موارد باید به آنها کمی کمک کرد و نصیحت و تشویق نمود تا کار را دوباره انجام دهند). این طرز تنبیه بسیار مفید است زیرا آنها را برای زندگی صحیح آماده می‌کند. ساده‌ترین نوع تنبیه آن است که شاگرد را بلافاصله بعد از کار بدی که انجام داده سرزنش کنیم، این کار با اینکه خیلی ساده بنظر می‌رسد خیلی رنج‌دهنده است این طریق برای ایجاد عادت‌های خوب در بچه مفید است (هایت، 1350).

تشویق افراد برتر هر گروه هر قدر ممکن است باید به صورت محرمانه و در جمع محدود از افراد خانه و مدرسه و آنچنان عملی شود که احساسات و غرور دیگران را خدشه‌دار نکنند یا دشمنی بین افراد را موجب نگردد و رقابت ناسالم پدید نیآورد. در اجرای برنامه‌های تشویقی، چه بهتر که ارزش‌ها مورد تحسین و تأکید قرار گیرند نه افراد. از کار خوب در مقیاس کلی و عمومی به عنوان رمز موفقیت گروهی یاد شود نه از فرد معینی که مثلاً در یک مرحله از فرایند کار تربیتی به کار و نتیجه خوب دست یافته است. از این حقیقت نمی‌توان غافل بود که اگر توانایی کودک یا نوجوانی، به علل اجتناب ناپذیر، در زمینه‌ای محدود باشد به سبب ناتوانی و شکستی که منشأ اصلی آن در اختیار خود او نیست، وی را نباید تحت فشار و تهدید یا تنبیه و تحقیر قرار داد (معیری، 1387). سعی مطلوب هر فرد ربطی به عملکرد بقیه افراد کلاس ندارد و نباید با دیگران مقایسه شود (فونتانا، 1384). در اجرای این برنامه‌ها مرز قصور و تقصیر را باید در نظر گرفت. آنجا که ناتوانی‌ها، لااقل در کوتاه مدت، با تلاش و کوشش شخصی علاج نمی‌شود سختگیری و مؤاخذه و تنبیه هرگز جایز نیست و چاره‌جویی را از دیگر تدابیر تربیتی باید انتظار داشت (معیری، 1387). برای جلوگیری از رفتار بد معمولاً تنبیه مفید است و می‌توان به عنوان تنبیه شخص را از کاری که دیگران می‌کنند محروم کنیم (هایت، 1350). امر تشویق از امکانات مالی و اجتماعی خانواده و از وسایلی که در دسترس همه افراد گروه نیست نباید استفاده کرد. تهیه لباس و وسایل تحصیلی برای دانش‌آموزان مستمند هرگز جنبه تشویقی ندارد و چه بسا که بعضی نوجوانان موفق که امکانات مالی کمتر در اختیار دارند همان لباس مندرس و وسایل فرسوده شخصی را بر آنچه در اصل برای کمک و به ظاهر به عنوان وسیله تشویقی در اختیارشان گذاشته می‌شود، ترجیح می‌دهند. تشویق ضرورتی نیست که برای عملی کردن آن به هر وسیله‌ای متوسل شویم. در مسأله تشویق چنان باید عمل کرد که فقط مبین قدردانی خانواده و مدرسه در قبال کوشش و موفقیت قابل ملاحظه فرزند و دانش‌آموز باشد. اگر امکانات تشویقی محدود است، چه بهتر که به تذکر ساده حضوری و قدردانی از کوشش فردی اکتفا شود (معیری، 1387).

تنبیه را چه بهتر است که در خلوت و بدون حضور جمع اجرا کنیم و هر قدر ممکن است از حمله به شخصیت تنبیه شونده مبرا باشد. تنبیه را نباید صرفاً برای ایجاد رنج روحی یا آزار بدنی اجرا کرد که هیچ، بهتر آنکه تنبیه اصولاً از رنج و فشار عاری باشد. تشویق و تنبیه باید بصورتی عملی شود که خود فی‌نفسه آموزنده، محرک و هشداردهنده باشد و تأثیر سازنده و اصلاح کننده باقی گذارد، غفلت‌ها را جبران کند و آن حالت بی‌تفاوتی و مسامحه را که به ناکامی منتهی می‌شود خودبخود تعدیل و مهار کند (معیری، 1387). استفاده زیاد از تنبیه اثر آن را از بین می‌برد. دلایل این امر عبارتند از اینکه: اول، تنبیه با گذشت زمان اهمیت خود را از دست می‌دهد. دوم، تنبیه مکرر فرصت‌های زیادی را برای کسب رفتارهای نامطلوب و پرخاشگرانه از طریق



فرآیند الگوسازی فراهم می‌سازد و بالاخره دانش‌آموزان ممکن است علت اصلی تنبیه خود را ندانند و به سادگی احساس درماندگی در رابطه با نتایج اعمال خود داشته باشند (سیفرت، 1384).

معلمی که مداوم در کار تهییج و تحریک دانش‌آموزان است و سریعاً موفقیت آنها را متذکر می‌شود بیشتر می‌تواند از تحسین و تشویق استفاده کند تا معلمی که فقط مثلاً هنگام اعلام نمره تکالیف نظرات مساعدی بیان می‌کند (فونتان، 1384). بسیاری از مربیان تشویق و تحسین را به یک معنا توصیف می‌کنند. باید دانست که این دو، به یک مفهوم نیستند و تفاوت ظریفی بین آنها وجود دارد. تحسین نقش جایزه‌ای را برای فرد دارد که باعث می‌شود توجه فرد به خودش معطوف شود. تشویق، انگیزه و محرک تلاش برای افزایش احساس همراهی و مشارکت با بشریت است. همچنین باعث می‌شود که فرد از توانایی‌های درونی خود برای مقابله با مشکلات آگاه شود (دریکورس و کاسل، 1388).

از لحاظ نظری هر قدر تقویت قویتر باشد احتمال ثبات رفتار زیادتر می‌شود و هر قدر تنبیه شدیدتر باشد، احتمال از میان رفتن رفتار بیشتر خواهد شد. از لحاظ تجربی امور با جنبه نظری آن مطابقت کامل ندارند. مثلاً ممکن است تقویتی در بار اول بسیار خوشایند باشد و این تجربه باعث اضطراب ما شود و در نتیجه در بار دوم تلاش برای به دست آوردن آن با اضطراب زیادی همراه شود، مضاف بر اینکه تجربه دوم به برجستگی بار اول نباشد. به همین ترتیب ممکن است تنبیهی در بار اول به قدری وحشتناک باشد که ما به خاطر ترس حالت گم‌گشتگی و گیجی پیدا کنیم و به همین علت ببینیم داریم اشتباه خود را تکرار می‌کنیم و برای بار دوم و در موقعیتی دیگر تنبیه شویم (فونتان، 1384). نتایج پژوهش استیس نشان می‌دهند که تنبیه تنها به طور موقت میزان پاسخدهی را و پس میزند (Estes, 1943). تنبیه برای حذف رفتار نادرست، خطرناک، یا نامطلوب از خزانه رفتار فرد طرح‌ریزی می‌شود، و فرض این است که کسی به خاطر انجام رفتاری تنبیه می‌شود با احتمال کمتری آن رفتار را انجام خواهد داد. متأسفانه موضوع به این سادگی نیست. پاداش و تنبیه از لحاظ تغییری که در رفتار ایجاد می‌کنند صرفاً در جهت ایجاد تغییر با هم متفاوت نیستند (Skinner, 1971).

دلایل عمده اسکینر علیه استفاده از تنبیه این است که تنبیه در درازمدت بی‌تأثیر است چنین به نظر می‌رسد که تنبیه صرفاً رفتار را و پس می‌زند و زمانی که دیگر تهدید تنبیه وجود نداشته باشد، نرخ پاسخ به میزان اولش باز می‌گردد. بنابراین، گرچه تنبیه اغلب خیلی مؤثر به نظر می‌رسد، در واقع تنها اثری ناپایدار بر جای می‌گذارد، دلایل دیگر اسکینر علیه تنبیه به قرار زیرند:

1. تنبیه آثار جانبی هیجانی نامطلوب به بار می‌آورد. 2. تنبیه به ارگانیسم نشان می‌دهد که چه کار نکند نه اینکه چه کار بکند.
3. تنبیه صدمه زدن به دیگران را توجیه می‌کند. 4. تنبیه در شخصیت تنبیه شده نسبت به عامل تنبیه‌کننده و دیگران پرخاشگری ایجاد می‌کند. 5. تنبیه اغلب یک پاسخ نامطلوب را جانشین پاسخ نامطلوب دیگری می‌سازد (السون و هرگنهان، 1389). بی‌تردید تنبیه شدید بلافاصله میل به انجام عمل تنبیه شده را کاهش می‌دهد. شکی نیست که این نتیجه مسبب استفاده فراوان از تنبیه است. ما "به طور غریزی" به کسی که رفتار ما را می‌آزارد حمله می‌کنیم - شاید نه به صورت فیزیکی بلکه با انتقاد، عدم تأیید، سرزنش، یا تمسخر. صرف نظر از این که تمایل به انجام چنین عملی جنبه ارثی دارد یا نه، مسلماً نتیجه آن تقویت‌کننده است، و همین امر رایج بودن آن را تبیین می‌کند. اما در دراز مدت تنبیه عملاً رفتار تنبیه شده را از خزانه رفتاری حذف نمی‌کند، و توفیق موقتی آن در ازای بهای گزاف کاهش دادن کارآمدی کلی و خوشبختی گروه تمام می‌شود (Skinner, 1953).

تنبیه تنها در صورتی مؤثر است که پاسخ تازه‌ای را به محرک‌های قدیمی ایجاد کند تنبیه به این علت در تغییر دادن عادت نامطلوب مؤثر است که رفتار ناهمساز با رفتار تنبیه‌شده را ایجاد می‌کند. وقتی که رفتار حاصل از تنبیه با رفتار تنبیه‌شده ناهمساز نباشد، تنبیه ناموفق است (السون و هرگنهان، 1389). رفتارهای ناهمساز آنهایی هستند که انجام همزمان آنها غیر ممکن است (هالاها و همکاران، 1394). اسکینر تعدادی روش جانشین برای تنبیه به قرار زیر معرفی کرده است: مقتضیاتی را که منجر به رفتار نامطلوب می‌شوند می‌توان تغییر داد، و بدین وسیله می‌توان رفتار را تغییر داد. همچنین می‌توان رفتار نامطلوب را، با اجازه دادن به ارگانیسم که تا سرحد اشباع یا دزدگی به آن رفتار ادامه دهد، از بین برد؛ روش دیگر این است که فرصت بدهیم تا زمان خود مشکل را حل کند، اما ممکن است زمان خیلی طولانی باشد (السون و هرگنهان، 1389). هارت مفهوم تنبیه را دارای پنج عنصر تعریف می‌کند.



1. تنبیه باید ملازم با درد یا پیامدهای دیگری باشد که معمولاً ناخوشایند به شمار می آیند؛ 2. تنبیه باید برای تجاوز در برابر قواعد قانونی باشد؛ 3. تنبیه باید از روی قصد و توسط کسانی غیر از خود متجاوز به اجرا درآید؛ 4. تنبیه باید در قبال یک متجاوز واقعی یا فرضی به خاطر تجاوزش انجام گیرد؛ 5. تنبیه باید توسط مرجعی که نظام قانونی، آن را مشخص کرده، اعمال و اجرا شود (باقری، 1375). گاه تنبیه تنها راهی است که در پیش روی معلم برای اداره کلاس وجود دارد و معلمین باید از راهنمایی‌های زیر آگاه باشند:

1- تا حد ممکن از میزان کم تنبیه استفاده کنید. 2- علت تنبیه را بیان دارید. 3- راهی را برای اجتناب از تنبیه مطرح سازید. 4- اگر می‌توانید به تقویت رفتار ناهم‌ساز با رفتار نادرست بپردازید. 5- هرگز از تنبیه بدنی استفاده نکنید. 6- هرگز وقتی خشمگین یا مضطرب هستید تنبیه نکنید (سیفرت، 1384).

سؤال دوم) آیا رابطه‌ای بین تشویق و تنبیه دانش‌آموزان و یادگیری آنها وجود دارد یا به عبارت بهتر تأثیر تشویق و تنبیه بر یادگیری چیست؟

تشویق و تنبیه تدابیری هستند که در مدیریت خوب و سنجیده بصورت سودبخش اثر می‌کنند و در مدیریت ضعیف به نتایج زیان‌بخش منتهی می‌شوند. بی شک در هر دو زمینه، افراط و تفریط پسندیده نیست. هر یک از دو صورت قضیه چنان باید اعمال شود که فی‌نفسه به عنوان عامل هشداردهنده فقط انگیزه تلاش و کوشش بهتر و بیشتر و تغییر رفتار در جهت نیل به ارزش‌های اخلاقی و انسانی باشد. تنبیه را منحصرراً در غالب همان معنی لغوی آن، به مفهوم «آگاه ساختن» از نتیجه کار و به منظور هدایت افراد به راه صحیح باید اعمال کرد. تنبیه به معنی آزار دادن، انتقام گرفتن، و تحقیر کودک یا نوجوانی که به هر دلیل ناتوانی نشان می‌دهد از نظر تربیتی مردود است. به همین دلیل تنبیه بدنی را از مجموعه روشها و ابزار تربیت به کلی باید حذف کرد. آن تنبیه بدنی که درد موضعی زودگذر ایجاد می‌کند و اما تأثیر روانی فراموش نشدنی باقی می‌گذارد و احیاناً دشمنی و عناد و لجبایت بار می‌آورد، علی‌رغم آن که هنوز گاهی اعمال می‌شود، اصولاً در شأن مدرسه و معلم نیست. تنبیه سازنده منحصرراً بصورت وسیله‌ای برای ایجاد انگیزه و تحریک طرف به کار بهتر و مطلوب‌تر باید بکار رود و با این نقطه دید اجرای تنبیه حتی دشوارتر از اعمال برنامه‌های تشویقی است. تنبیه باید به عنوان هشدار صمیمانه خود سازنده و اصلاح‌کننده باشد (معیری، 1387). قدرت فراگیری ذهن به وسیله اعمال لذت‌بخش افزایش می‌یابد و یادگیری مطالب بهتر و سریع‌تر انجام می‌شود؛ مثلاً وقتی شاگردان بدانند که پاسخ درست آنان به پرسش معلم موجب تشویقشان می‌گردد، بسیار بهتر از موقعی یاد خواهند گرفت که بدانند پاسخ غلط آنان تنبیه در پی خواهد داشت از این جهت اگر بخواهیم افراد را به کارهای مفید و شایسته واداریم باید کمال و هنر آنان را ستایش کنیم تا از دلسردی و بی میلی آنان جلوگیری کرده باشیم (دشتی و جمالی‌زاده، 1393). ایجاد انگیزش یادگیری در یادگیرندگان برای القای یادگیری اثربخش با استفاده از فنون و روشهای صحیح امکانپذیر می‌باشد. انگیزش و فنون ایجاد آن در القای یادگیری مؤثر اثرگذار است و به نقش کلیدی آن به عنوان یک عامل ارزشمند در ویژگی‌های معلمان اذعان کرد. هر چه قدر بتوان انگیزش دانش‌آموزان را در امر مهم آموزش افزایش داد، می‌توان از اتلاف و هدر رفتن منابع مالی و انسانی نظام آموزشی جلوگیری کرد و در نتیجه بازده نظام آموزشی را افزایش داد (صالحی و رضائی نیک، 1398).

معلمان پرخاشگر و هیجانی که از عهده کنترل رفتار خودشان برنمی‌آیند با تنبیه‌های شدید و مکرر آثار سو در سازگاری شاگردان خود خواهند گذاشت و مقاومت آنها را در یادگیری دروس بر خواهند انگیزخت (ذوالقدر نسب و اسماعیلی، 1394). شاگردی که در یادگیری ضعیف است هیچ وقت نباید تنبیه شود. یاد گرفتن خود کار دشواری است چه رسد که ترس و وحشت را هم به آن اضافه کنیم که آن را مشکل‌تر می‌کند. ترس باعث پیشرفت نمی‌شود و برعکس پیشرفت مغز و فکر را هم راکد می‌کند و درست نتیجه معکوس می‌دهد زیرا شاگرد را وحشت‌زده و بدون تصمیم بار می‌آورد در صورتی که منظور، ساختن انسان مبتکر است (هایت، 1350). در اجرای برنامه‌های آگاهی‌دهنده مراقبت بیشتر لازم است. آنگونه تنبیه‌های معمول در مدرسه که در قبال غفلت و تسامحی احتمالاً ناچیز و بی‌اهمیت در انجام تکالیف، یا به سبب تخلفی قابل گذشت، دانش‌آموز را به انجام دادن تکالیف‌های سنگین درسی یا به مجازات سخت محکوم می‌کند، برخلاف سنت معمول بعضی مدارس، چندان سازنده نیست و علی‌رغم باور و نظر معلمان از لحاظ یادگیری نیز تأثیر سودبخش ندارد (معیری، 1387).



اصولاً تنبیه مؤثر، خودداری از دادن پاداش‌هایی است که تا به حال راجع به آنها صحبت شد. فقدان توجه، تحسین، و تشویق معلم؛ عدم توفیق در به دست آوردن نتایج آموزشی خوب، نمرات تکالیف خانوادگی و درسی، همه اینها به خودی خود تنبیه‌های مؤثری هستند. اگر دانش‌آموز از خانواده‌ای باشد که به موفقیت تحصیلی جایزه می‌دهند و روی آن تأکید دارند، فقدان چنین ژتونهایی می‌تواند باعث اضطراب و نگرانی وی شود. تنها همین احساس می‌تواند اثری شکل دهنده و قوی بر رفتار دانش‌آموز داشته باشد. البته هستند موقعیت‌هایی که معلم احساس می‌کند عامل قویتری مورد نیاز است (فونتاننا، 1384).
 حال با رجوع به مدل "هارت" می‌توانیم بگوییم که 1- تنبیه لازم نیست پیامدهای ناخوشایند داشته باشد. 2- تنبیه بخاطر تخطی و تجاوز نیست، بلکه به خاطر خیر و صلاح (روح) فرد است. 3- تنبیه معطوف به فرد متجاوز است، نه بخاطر تجاوز او. 4- با فرض اینکه هدف نهایی عبارت است از مراقب کامل نسبت به خود و تسلط بر خود، تنبیه می‌تواند توسط خویشتن اعمال شود. 5- چون قدرت می‌تواند توسط هر کسی اعمال شود، و چون تنبیه جلوه‌ای از اعمال قدرت است، برای وقوع تنبیه، نیازی نیست که مرجع قدرتی داشته باشد (فرمehینی فراهانی، 1389).

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله به بررسی ارتباط تشویق و تنبیه و یادگیری پرداخته است. ابتدا یادگیری، تشویق و تنبیه تعریف گردید و سپس روش‌های مختلف تشویق و تنبیه یادگیرندگان به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت. در تحقیقی در سال 1397، سیدرضا بلاغت، پروانه دینارزهی و محمدرحیم قلندرزهی نشان دادند که تشویق و تنبیه اگر به روش‌های درست و در عین حال بجا، به‌موقع و به اندازه نباشند آثار معکوس و مخربی در پی خواهند داشت. در نهایت اینکه در این مقاله بصورت مفصل روش‌های مختلف تشویق و تنبیه مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که روش‌هایی از جمله کم‌توجهی، جایگزین تنبیهات فیزیکی شود چراکه تنبیه بدنی آثار زیان‌باری بر فرد دارد، ضمن اینکه آثار این تشویق‌ها و تنبیهات متوجه یادگیری نیز می‌شوند و می‌توانند مسیر یادگیری را دگرگون کنند.

حال آنکه نگارنده پیشنهاد می‌کند در راستای نیل به اهداف عالی آموزش و پرورش و نظریه ضرورت ایجاد یادگیری اثربخش باید شیوه‌های صحیح اعمال تشویق و تنبیه یادگیرندگان با توجه به نقش اساسی این کار در پیشبرد یادگیری، مورد استفاده قرار گیرد. این مهم از طرق مختلف امکان‌پذیر می‌باشد؛ بطور مثال تشکیل کلاس‌های ضمن خدمت و تدریس کتابی مانند «نه تشویق، نه تنبیه» اثر «الفی کهن» همچنین به آسانی می‌توان اثبات نمود که معلمان با نتایج روش‌هایی که برای تشویق و تنبیه به کار می‌برند و تأثیر آن بر یادگیری دانش‌آموزان بیگانه هستند، لذا علاوه بر احساس نیاز به آموزش معلمان در این زمینه، به کارگیری مشاوران در مدارس نیز از بهترین راهکارها می‌باشد.

منابع

- آسترکی، مهتاب و عسگریان، مهناز، بررسی اثر آزمایشی تشویق و تنبیه بر ادراک بصری و حافظه‌ی کوتاه مدت دانش‌آموزی پسر پایه‌ی سوم دبستان شهر مهاجران. دومین کنفرانس ملی روانشناسی و علوم رفتاری، 1393.
- باقری، خسرو، تعلیم و تربیت در منظر پست مدرنیسم، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، شماره 4-1، سال دوم، 1375.
- بلاغت، سیدرضا، دینارزهی، پروانه و قلندرزهی، محمدرحیم، تأثیر تشویق و تنبیه بر یادگیری دانش‌آموزان، یازدهمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، 1397.
- دریکورس، ردولف و کاسل، پرل، 1388، انطباق بدون اشک، ترجمه واثقی، مینو و داداش‌زاده، مریم، چاپ پنجم، تهران، رشد.



- دشتی، فاطمه و جمالی‌زاده، آزاده، نقش تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت اسلامی، اولین کنفرانس ملی توسعه‌ی پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، 1393.
- دهخدا، علی اکبر، 1377، لغت‌نامه دهخدا، جلد پنجم، چاپ دوم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ذوالقدر نسب، محسن و اسماعیلی، رضا، تأثیر تشویق و توجه بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، اولین کنگره‌ی علمی پژوهشی سراسری توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی، جامعه‌شناسی و علوم فرهنگی ایران، تهران، 1394.
- السون، میتو اچ. و هرگنهان، بی.آر، 1389، مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه سیف، علی اکبر، ویرایش هشتم، تهران، دوران.
- سیف، علی اکبر، 1394، روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزشی، چاپ هفتم، ویرایش هفتم، تهران، دوران.
- سیف، کی.الف، 1384، روانشناسی تربیتی، ترجمه ایزدی، مهشید، چاپ اول، تهران، شرح.
- صالحی، علیرضا و رضائی نیک، علی، جایگاه نظریه انگیزشی انتساب در یادگیری اثربخش دانش‌آموزان، سومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و علوم انسانی، بلغارستان، 1398.
- فرمپینی فراهانی، محسن، 1389، پست مدرنیسم و تعلیم و تربیت، تهران، آبیژ.
- فونتانا، دیوید، 1384، کنترل کلاس، ترجمه حمزه، ساده، چاپ سوم، تهران، رشد.
- معیری، محمد طاهر، 1387، مسائل آموزش و پرورش. چاپ نوزدهم، تهران، امیرکبیر.
- هالاها، دانیل پ.، لوی، جان و.، کافمن، جیمز م. و همکاران، 1394، اختلال‌های یادگیری (مبانی، ویژگی‌ها و تدریس مؤثر)، ترجمه حمید علیزاده، قربان متی علمدارلو، صدیقه رضایی دهنوی و همکاران، چاپ ششم، تهران، ارسباران.
- هایت، گیلبرت، 1350، هنر آموزش، ترجمه فخرائی، ناهید، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- Domjan, M.P., Principles of Learning and Behavior, Wadsworth, USA, 1997.
- Estes, w.k., An experimental study of punishment, psychological Monographs, 57 (whole No.263), 1944.
- Skinner, B.F., Beyond freedom and dignity, New York: knopf, 1971.
- Skinner, B.F., Science and human behavior, New York: Macmillan, 1953